



بازطراحی برنامه‌درسی و تربیتی
دوره‌های تحصیلی

هویت دوره‌های تحصیلی

روش‌های تربیت در اندیشه نورانی
رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران



رسانه‌ی الکترونیک | سال اول | شماره ۲
تهیه شده در اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

آماده‌سازی محتوا: صدیقه حسن‌زاده
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: مجتبی زند
همه‌پندگی و انتشار: سعیده کرباسی | علی حکمت‌شعار
با تشکر از مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور

نشانی:

تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر

ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش | سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ | تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ | نمابر: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اسلام ما را به علم نافع فرا می‌خواند،
علم نافع از سوئی جوان ایرانی را به
ابزارهای لازم برای پیشرفت و اعتلای
کشور و ملتش مجهز می‌سازد و از
سوئی به او هویت می‌بخشد و او
را از وزانت و اعتبار روحی و معنوی و
اعتماد به نفس برخوردار می‌کند.

سیدعلی خامنه‌ای
۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹





باز طراحی برنامه درسی و تربیتی
دوره های تحصیلی

۴

هویت دوره های تحصیلی

۱۰

روش های تربیت در اندیشه نورانی
رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران

۱۹



بازطراحی برنامه درسی و تربیتی دوره‌های تحصیلی

ضرورت‌ها و چشم‌اندازها

دلالت‌های واضح اسناد تحولی آموزش و پرورش و بویژه تصویب اهداف دوره‌های تحصیلی در شورای عالی آموزش و پرورش وظیفه سنگین و پیچیده‌ای را برعهده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قرار می‌دهد. این وظیفه، بازنویسی اسناد تحولی یا نگارش اسناد جدید نیست. بلکه "بازطراحی" دوره‌های تحصیلی است. بازطراحی دوره‌های تحصیلی، یعنی معماری مجدد قواره برنامه‌ی درسی کنونی دوره‌ها با رویکردی نوآورانه و با لحاظ تربیت تمام‌ساحتی و توجه به چرخش‌های تحولی مندرج در مبانی نظری تحول ...



دکتر علی ذوعلم

رئیس سازمان پژوهش
و برنامه‌ریزی آموزشی

اجرای کامل برنامه درسی ملی و اعمال راهبردها و رهنمودهای اسناد تحولی به ویژه سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب و چرخش‌های تحول‌آفرین مذکور در مبانی نظری تحول بنیادین، بازطراحی برنامه‌ی درسی دوره‌های تحصیلی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. بدون تغییر مطلوب در کلیت برنامه‌ی درسی و تربیتی دوره‌های تحصیلی و اصلاحی کلی عناوین، جدول دروس، زمان و ... در ساختار کلی برنامه‌ی دوره‌ها، نمی‌توان به نام تربیت تمام‌ساحتی و تحقق شایستگی‌های پایه در این دوره‌ها نائل شد.

پنج شایستگی پایه - که در بند هفتم برنامه‌ی درسی ملی بیان شده - در شش ساحت تربیتی - که در مبانی نظری تحولی مطرح شده - با توجه به ظرفیت یادگیری متریبان و نیازها و اولویت‌های جامعه و نیز بهره‌گیری از تجربه‌ها، روش‌ها و قالب‌های آموزشی و تربیتی نظام‌های آموزشی پیشرفته، مبنای طراحی در بازطراحی دوره‌ها خواهد بود.

تحقق "سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور" از جمله بند اول و به ویژه بند ۴ این سیاست‌ها مستلزم توجه متوازن و شایسته به یازده حوزه تربیت و یادگیری مصوب در برنامه‌ی درسی ملی است که بازطراحی را امری ضروری می‌نماید.





ابعاد بازطراحی برنامه دوره‌ها

بازطراحی دوره تحصیلی، به معنای بررسی و بازنگری کلیت برنامه‌ی درسی کنونی، نقد و بررسی و شناخت نقاط ضعف و کاستی‌های آن و بازسازی کلی وجوه برنامه درسی و تربیتی و به ویژه "محتوا" و "ارزشیابی" است که ذیل اهداف مصوب باید انجام شود. طبعاً در صورت تغییرات درست و منطقی این ۲ رکن، "اجرا" هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و اصلاح خواهد شد. متأسفانه در حال حاضر شکافی عمیق بین برنامه‌های تربیتی و درسی موجود با الگوی نظری تحول‌آفرین در زیر نظام برنامه درسی [ص ۳۷۲ تا ۳۷۵ مبانی نظری تحول] و چرخش‌های تحولی به ویژه دلالت‌های آن در زیر نظام برنامه‌ی درسی [ص ۴۱۵ تا ۴۱۷] و نیز ویژگی‌ها، اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، رویکرد و جهت‌گیری کلی و الگوی هدف گذاری مذکور و مصوب در سند برنامه‌ی درسی ملی (مصوب ۱۳۹۲) وجود دارد که بدون بازطراحی اساسی برنامه درسی و تربیتی دوره‌های تحصیلی، پیاده‌سازی آن غیر ممکن خواهد بود.

کاستی‌های کنونی

مهم‌ترین خلأها و کاستی‌های قواره کلی برنامه فعلی دوره‌های تحصیلی که در همه دوره‌ها وجود دارد عبارت است از:

- عدم توجه کافی به برخی از ساحت‌های مهم تربیتی از قبیل ساحت تربیت اخلاقی، تربیت هنری، تربیت زیستی و بدنی و ...
- بی‌توجهی به تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی در طراحی و تدوین برنامه درسی
- عدم استفاده از محیط‌های یادگیری متنوع، جذاب و اثربخش
- ضعف کارآمدی شیوه‌های ارزشیابی و عدم توجه به دلالت‌های زیرنظام پژوهش و ارزشیابی ...
- تلقی فوق برنامه (به معنای حاشیه‌ای بودن) از برنامه‌های ویژه پرورشی از قبیل بازدید، اردو،
- عدم توازن و تناسب مواد درسی و نیازهای دانش آموزان
- غفلت از حوزه‌های تربیت و یادگیری بسیار مهمی همچون آداب و مهارت‌های زندگی، مدیریت خانواده، کار و فناوری و ...
- حفظ محوری در ارزشیابی و حاکمیت سخت رقابت‌های فردی
- عدم رعایت تلفیق و یکپارچگی برنامه‌ها
- کتاب محوری به جای بسته‌های تربیتی و یادگیری
- عدم توجه به فراگیران و متریبان به عنوان عنصر فعال، کنشگر در تربیت و تحصیل
- عدم بهره برداری از تنوع محیط‌ها و فرصت‌های تربیتی و یادگیری
- بی‌توجهی به نیازهای ویژه محلی و منطقه‌ای و عدم مشارکت‌پذیری در طراحی و تولید محتوای تربیتی و درسی



بایستگی‌ها

تغییراتی که در بازطراحی برنامه درسی و تربیتی دوره‌ها باید رخ دهد، شامل همه ابعاد اهداف، محتوا، اجرا و ارزشیابی می‌گردد. البته اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش تا حد زیادی تغییر اهداف را تأمین کرده است هر چند وجود برخی کاستی‌ها و خلأها در اهداف مصوب، بازنگری و اصلاح آن را ایجاب خواهد کرد.

اما دو بعد "محتوا" و "ارزشیابی" باید محور اصلی تغییرات باشد، چرا که اصلاح اجرای برنامه درسی و تربیتی - در سطح استان، منطقه و مدرسه - عمدتاً تابع تغییرت و اصلاحات در "محتوا" و "ارزشیابی" است.

بخشی از این بایستگی‌ها، عام است و شامل همه دوره‌های تحصیلی و شاخه‌ها و رشته‌ها می‌گردد و برخی، خاص هر دوره می‌باشد، که ذیلآ به اهم بایستگی‌های مشترک و عام اشاره می‌شود.

- ۱- شفاف‌سازی هویت دوره تحصیلی و اهداف آن
- ۲- نهادینه‌سازی و تعمیم «برنامه ویژه مدرسه» در دوره‌های تحصیلی به‌عنوان بخشی از زمان رسمی و اصلی آموزش و تربیت.
- ۳- ایجاد توازن در سه وجه تجویزی، نیمه تجویزی و غیرتجویزی برنامه‌های درسی و تربیتی
- ۴- مشارکت آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق در طراحی بخشی از برنامه درسی و تربیتی و تولید بسته‌های یادگیری
- ۵- طراحی بسته یادگیری مطلوب با ترکیبی متوازن از کتاب، فیلم آموزشی، نمایش، فعالیت‌های گروهی و بازدید
- ۶- حذف یا کاهش حداکثری نقش کتاب دانش‌آموز در برخی از حوزه‌های تربیت و یادگیری از قبیل آداب و سبک زندگی، تفکر و حکمت، کاروفناوری... و به جای آن طراحی و تولید بسته یادگیری-یاددهی برای معلمان، مربیان، دبیران، مدیران و مشاوران ...
- ۷- متناسب‌سازی بسته‌های تربیت و یادگیری با فعالیت محوری متریبان بجای انفعال و روش‌های خشک
- ۸- تأمین زمینه حداکثر مشارکت استان‌ها و نیز نهادها، مراکز و انجمن‌های توانمند و ذیصلاح و سازمان‌های غیردولتی در تولید بسته‌های تربیت و یادگیری [بر اساس طرحواره‌ها و برنامه درسی و استانداردهای مصوب]
- ۹- به رسمیت شناخته شدن نقش مدرسه در تأمین و تولید بخشی از برنامه درسی بر اساس اسناد تحولی



متأسفانه در حال حاضر، رویکرد غالب در سنجش‌ها و آزمون‌ها و به ویژه آزمون کنکور و برخی آزمون‌های داخلی آموزش و پرورش برای مدارس خاص و تیزهوشان و حتی آزمون‌های سطح کلاس و مدرسه، شکاف عمیقی با وضع مطلوب دارد لذا علاوه بر موارد فوق در بازطراحی برنامه درسی دوره‌ها در بعد ارزشیابی، چرخش‌های مهمی باید رخ دهد که عبارت است از:

- ۱- تبدیل رقابت فردی و تنش‌زا به "رفاقت جمعی و تعالی بخش"
- ۲- توجه به "کسب شایستگی‌ها در تمام ساحت‌های تربیت" به جای "انباشت اطلاعات و حافظه محوری"
- ۳- به حداقل رساندن "کنترل بیرونی" و تبدیل آن به "خویشتن‌بانی"
- ۴- فاصله گرفتن از "یادگیری موضوعات" و نزدیک شدن به "فرایند دستیابی به توانمندی‌های مهارتی"

اگر در بازطراحی برنامه درسی و تربیتی دوره‌ها، نظام و فرایندها و روش‌های ارزشیابی به این چرخش‌ها نائل شود، تحول مطلوب رخ خواهد داد و آثار و پیامدهای زیانبار اجتماعی، تربیتی و روانی کنونی آزمون‌های گوناگون و بیش از همه آزمون کنکور کاهش خواهد یافت.

بازطراحی دوره اول ابتدایی

بدیهی است که آغاز بازطراحی برنامه درسی و تربیتی دوره‌های تحصیلی، دوره ابتدایی است. وضعیت کنونی دوره پیش دبستان و دوره سه ساله نخست دوره ابتدایی در آغاز باید نقد و ارزیابی شده و براساس بایستگی‌های پیش گفته، کلیت برنامه‌ی درسی و تربیتی آن مورد بازنگری و بازطراحی قرار گیرد. کاستی‌هایی که علاوه بر کاستی‌های مشترکی که قبلاً بیان شده، به طور خاص در دوره اول ابتدایی وجود دارد، عبارت است از:

- بی‌توجهی به دانش‌آموزان مناطق دوزبانه در آموزش زبان فارسی
- تکثر عناوین و تعدد کتاب‌های درسی
- عدم استفاده از عنصر "بازی"، "قصه"، "مطالعه"، "نمایش"، "فیلم" در تحقق اهداف
- عدم تناسب زمان بندی کلاس با ظرفیت نوآموزان به خصوص در پایه‌ی اول
- عدم بکارگیری ظرفیت‌های والدین در اجرای برنامه‌ها

با نظر به این کاستی‌ها و توجه به خلأها و کاستی‌های عام و مشترک، در بازطراحی قواره کلان برنامه درسی و تربیتی دوره اول ابتدایی، علاوه بر بایستگی‌های مشترک که قبلاً بیان شد، نکات ذیل باید رعایت شود:

- طراحی و تولید بسته یادگیری کاملاً متفاوت برای دانش‌آموزان مناطق دوزبانه برای دوره اول ابتدایی به‌گونه‌ای که برای دوره دوم به بعد، بتوانند دارای بسته‌های یادگیری مشترک باشند ...
- توجه به کلاس‌های چند پایه و انعطاف‌پذیری برنامه‌ی آن‌ها



- توجه به تفاوت پایه اول ابتدایی با پایه‌های دوم و سوم (دانش‌آموزان پایه اول، اولاً نخستین سال مدرسه را تجربه می‌کنند و ثانیاً در آخرین سال دوره‌ی هفت ساله اول- که براساس روایت اسلامی دوره‌ی سیادت کودکان است - قرار دارند. بنابراین زمان آموزش در پایه اول دبستان باید از انعطاف حداکثری برخوردار باشد).
- توجه به آموزش اولیاء دانش‌آموزان (به‌خصوص فرزند اولی‌ها) و زمینه‌سازی مشارکت و هم‌افزایی تربیتی مدرسه و خانواده

بازطراحی برنامه درسی و تربیتی دوره دوم متوسطه نظری همزمان با بازطراحی دوره اول ابتدایی

بازطراحی اساسی برنامه درسی و تربیتی دوره دوم متوسطه - در هر سه شاخه نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش - مستلزم اجرای برنامه درسی و تربیتی جدید و بازطراحی شده دوره های قبلی است، ولی از آن جا که تا دستیابی به آن مرحله، حداقل یازده سازمان زمان باید سپری شود، لذا می‌توان همزمان با بازطراحی برنامه‌ی تربیتی و درسی دوره سه ساله اول ابتدایی، به عنوان یک اقدام کلان تحولی، با لحاظ برنامه‌های درسی و تربیتی کنونی، برنامه دوره دوم متوسطه را در راستای اصلاح عناوین، زمان، کیفیت اجرا، ارزشیابی و ... مورد بازنگری قرار داد و به عنوان یک مرحله میانی، آن را بازطراحی کرد. این بدین معنی است که دانش‌آموزان فارغ التحصیل نهم متوسطه، با برنامه‌ی تربیتی و درسی متفاوتی در هر سه شاخه ادامه تحصیل خواهند داد و برخی آسیب‌ها و چالش‌های فعلی، می‌تواند سریع‌تر برطرف گردد. بدیهی است بازطراحی نهایی این دوره، پس از بازطراحی دوره‌های قبلی و اجرای آن باید انجام پذیرد.

در این مرحله، آسیب‌ها و بایستگی‌های ذیل برای بازطراحی شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش باید مدنظر قرار گیرد:

- ۱- غفلت از عام‌گرایی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای
- ۲- عدم تناسب زمان تحصیل با نیازها و استانداردهای واقعی
- ۳- تکرار ملال آور و مضر برخی مواد درسی عمومی که قاعدتاً تا پایه‌ی نهم دانش‌آموزان گذرانده‌اند
- ۴- تمرکز بر شایستگی صرفاً علمی و فنی و بی توجهی به سایر شایستگی‌های پایه

بایستگی‌ها

- ۱- شفاف سازی اهداف شاخه فنی و حرفه‌ای و تمایزات آن با شاخه کاردانش
- ۲- زمینه سازی برای توسعه حداکثری رشته‌های کاردانش متناسب با نیاز بازارکار و تقاضای کارفرمایان
- ۳- زمینه سازی برای توسعه مشارکت حداکثری بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و ... در توسعه و کارآمدسازی شاخه فنی و حرفه‌ای





- ۴- تبدیل برنامه درسی مبتنی بر "متن" به برنامه درسی مبتنی بر "مهارت و توانمندی عملی"
- ۵- پیرایش و هژس برنامه درسی فعلی و تمرکز بر محتوای ناظر به اهداف شاخه‌های فنی و حرفه ای و کاردانش
- ۶- تحقق نگاه یکپارچه و تلفیقی و نیز رویکرد عام‌گرایی
- ۷- تأکید بر محتوای دارای حداکثر اشتراک در فنی و حرفه‌ای و حداکثر تخصص‌گرایی در کاردانش
- ۸- واگذاری حداکثری اجرای شاخه کاردانش به مراکز تولیدی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی و ... به خصوص شرکت‌های دانش بنیان ضمن اتخاذ سیاست‌ها و فرایندهای تشویقی و حمایتی

ملاحظات اجرایی

طبعاً بازطراحی برنامه‌ی درسی و تربیتی دوره‌های تحصیلی در راستای رفع آسیب‌ها و تحقق بایستگی‌های فوق، الزامات و پیش‌نیازهایی را ایجاد می‌کند که دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها، عبارت است از:

- ۱- هم‌زمان با بازطراحی و معماری مجدد برنامه‌ی درسی و تربیتی دوره‌های تحصیلی، متناسب‌سازی و بازطراحی ساختار نیروی انسانی، فضای آموزشی و تربیتی، تجهیزات، مدیریت، ضوابط و مقررات اداری، مالی، انضباطی و ... براساس دلالت‌های زیرنظام‌های مدیریت، منابع انسانی و فضا و تجهیزات.
- ۲- توانمندسازی مدیریت و کادر آموزشی (دبستان / دبیرستان / هنرستان) برای مشارکت فعال در برنامه‌ریزی درسی و تربیتی مدرسه در بخش غیرتجویزی و توجه به محوریت مدرسه در اختیارات و مسئولیت‌ها، در چارچوب شاخص‌های "مدرسه زندگی" و دلالت‌های سند تحول و برنامه درسی ملی.

سازمان پژوهش با رعایت اصول علمی و با مشارکت همه مراجع و بخش‌های ذینفع و ذیصلاح در طراحی این دوره‌ها و طی مراحل تصویب آن در مراجع قانونی و برنامه‌ریزی برای اجرای تدریجی آن، باید بتواند رسالت خود را در این باب به سرانجام برساند.

ان شاء الله



هویت دوره‌های تحصیلی

براساس اسناد تحولی، در هر یک از دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی باید سطحی مشخص از شایستگی‌ها در ساحت‌های شش‌گانه [یا در ارتباطات ۴ گانه الگوی هدف‌گذاری برنامه‌ی درسی ملی] تحقق یابد. تعیین این "سطح" متناسب با هر دوره به صورت کلی در اهداف دوره‌های تحصیلی - هر چند نه به طور کامل و شفاف - انجام گرفته است ولی برای رسیدن به دلالت‌های راهگشا و روشن در این زمینه، باید بتوانیم "هویت" هر دوره را مشخص کرده باشیم. اینکه اهداف و برنامه‌ی تربیتی درسی چهار دوره سه ساله هر یک براساس چه مفهوم و مقوله محوری باید سامان یابد، مسئله مهمی است که در این نوشته بدان پرداخت شده است.



دکتر علی ذوعلم

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدل تدوین شاخص‌های برونداد دوره‌های تحصیلی

هر چند در مورد ویژگی‌های برونداد و محصول نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی در متن اسناد تحولی نکات مهمی مطرح شده است، ولی تنقیح و تدوین دقیق و قابل سنجش از این ویژگی‌ها، امر لازمی است که هنوز محقق نشده است. برای رسیدن به این شاخص‌ها، باید ذیل "هویت" هر دوره، میزان دست‌یافتگی خروجی هر دوره به شایستگی‌ها و ویژگی‌های مصرح در اسناد تعریف شود. لذا باید شاخص‌های برونداد نظام تعلیم و تربیت حداقل برای هر دوره تحصیلی، تدوین شود. این شاخص‌ها در یک مدل دو بعدی متشکل از ساحت‌ها و عناصر اهداف - که همان شایستگی‌های پایه در سند برنامه درسی ملی است - می‌تواند تدوین و جانمایی گردد. یعنی در یک الگوی یکپارچه و بهم پیوسته، معلوم شده باشد که متریان، در پایان هر یک از دوره‌های سه ساله تحصیلی، به چه حدی از این شایستگی‌ها دست یافته‌اند. این الگو باید در فرایندی پژوهشی و خلاقانه، براساس یافته‌های علمی معتبر و بومی و نیز خلاءها، نیازها، فرصت‌ها، تهدیدها و و مستند به پژوهش‌های معتبر، تدوین گردد.





ساخت ها عناصر	اعتقادی، اخلاقی و عبادی	اجتماعی و سیاسی	زیستی و بدنی	زیبا شناختی و هنری	اقتصادی و حرفه ای	علمی و فناورانه
عقل						
ایمان						
علم						
عمل						
اخلاق						

تهیه این شاخص‌ها در الگوی فوق برای هر یک از دوره‌های تحصیلی باید انجام پذیرد. البته برای دوره دوم متوسطه، برای هر یک از شاخه‌ها، برخی شاخص‌ها متفاوت خواهد بود. همچنین ممکن است برای هر دوره نیز بنا به ضرورت لحاظ تفاوت‌های جنسیتی و منطقه‌ای، تعدادی محدود از شاخص‌ها، متفاوت با هم باشند و حتی تعیین برخی از شاخص‌های کاملاً اختصاصی، در مرحله متناسب‌سازی با زیست بوم فرهنگی و جغرافیایی در سطح استان یا منطقه / شهرستان انجام پذیرد. کلان پروژه تعیین شاخص‌های خروجی نظام تعلیم و تربیت در دوره‌های تحصیلی - که یکی از ۸ کلان پروژه تحولی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است و در سال ۹۸ بر عهده پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش نهاده شده - این الگو را تکمیل خواهد کرد.

اما علاوه بر آن و چه بسا قبل از آن، باید با نگاهی کل نگر و با استفاده از دلالت‌ها و رویکردهای کلان تحول براساس اسناد تحولی - به خصوص مبانی تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی - هویت هر یک از دوره‌های تحصیلی را مشخص کرد. متأسفانه اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی هیچ اشاره‌ای به هویت دوره‌های تحصیلی ندارد، حال آن که بدون تعیین و تأکید هویت هر دوره، تحدید و تنقیح اهداف دوره‌ها، دشوار بوده و بازطراحی برنامه درسی و تربیتی دوره‌ها نیز نمی‌تواند انجام پذیرد.

سه کلید واژه اساسی

به نظر می‌رسد برای تعیین هویت هر یک از دوره‌های تحصیلی، باید کلیه واژه‌های محوری که نقش سازه‌های اصلی گفتمان تحول تعلیم و تربیت را دارند، بررسی و استخراج شده به عنوان فلش‌ها و جهت‌گیری‌های کلان و متمایز کننده وضعیت مطلوب با وضعیت کنونی، مدنظر قرار گیرد. سپس ضمن توجه به اصل یکپارچگی و وحدت رویکردی کلیت دوره ۱۲ ساله آموزش و پرورش، تأکید هر دوره تحصیلی و هویت آن را به کمک آن کلید واژه‌ها مشخص ساخت.



براساس مطالعه عمیق و تأمل در اسناد تحولی، به نظر می‌رسد سه کلید واژه بنیادین "فطرت"، "هویت" و "تمدن" در یک نگاه کلی و شبکه‌ای و درهم تنیده، نقش اصلی و محوری در تعریف و تحدید جهت‌گیری کلان تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران دارد و می‌تواند برای ترسیم هویت دوره‌های تحصیلی الهام بخش باشند.

"فطرت" هم در رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه‌ی درسی ملی مورد تأکید و توجه قرار گرفته است و هم مبانی انسان‌شناسی مبانی نظری تحول بنیادین، شکوفایی فطرت را در برابر فراموشی فطرت قرار داده است و آن را "بنیاد مشترک هویت انسانی" تلقی کرده که در تعریف تربیت، گرانگه‌گاه قرار گرفته است. اساساً یکی از وجوه تمایز تربیت مطلوب و تربیت ناقص و نارسا، در میزان توجه یا غفلت از فطرت می‌باشد و قطعاً این کلید واژه، نقش محوری در تمایز نظام تربیتی اسلام با نظام‌های تربیتی رایج دارد.

"هویت" نیز ضمن ارتباط مفهومی با فطرت، کلید واژه‌ای بنیادین است که در تعریف نوآورانه و عمیق مبانی نظری تحول بنیادین، تکوینی و تعالی آن، غایت تربیت دانسته شده است. بنابراین در نگاه کلان به تغییرات و تحولاتی که در متربی باید رخ دهد، تعالی هویت، کانون اصلی توجه اسناد تحولی است، هم هویت در لایه‌ها و سطوح رایج خود و هم در اهتمام به تکوین و تعالی هویت ملی که وجه اجتماعی تربیت را می‌تواند نشان دهد. تعمیق و ارتقای هویت ملی دانش‌آموزان، که در نگاه رهبر حکیم انقلاب اسلامی متکی بر سه عنصر ایرانی، اسلامی و انقلابی است، در ترکیبی متوازن و متقن، می‌تواند جوان تربیت شده در فرایند آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را، برخوردار از احساس تعلق و افتخار به این سه عنصر تشکیل دهنده هویت ملی سازد و برون‌داد نظام تعلیم و تربیت را از کارآمدی و کنشگری اجتماعی در پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران برخوردار نماید. اساساً یکی از تفاوت‌ها و تمایزهای وضعیت مطلوب تعلیم و تربیت با وضعیت موجود، همین امر است، یعنی اهتمام به بسترسازی برای دستیابی متربیبان به هویت ملی مشترک و فراگیر، که انسجام اقوام و مناطق و ادیان مختلف را در ذیل و ظل "ایرانی بودن" تقویت و تحکیم کند و پیروان مذاهب گوناگون را در ذیل و ظل "اسلام" منسجم نماید و همه‌آحاد و اقشار جامعه را در ذیل و ظل "انقلابی بودن" - به معنای دغدغه و احساس وظیفه برای پیشرفت، استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و ... و تحقق ارزش‌های ۸ گانه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی - هم‌سو و هماهنگ سازد. البته تبیین نوع پیوند این سه مولفه هویت ملی مطلوب ایرانیان، به مجال و فرصت بیشتری نیاز دارد.

"تمدن" نیز کلید واژه‌ای است که اولاً وجه تمایز تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران را از بسیاری نظام‌های تعلیم و تربیتی دیگر نشان می‌دهد و ثانیاً برخاسته از مبانی نظری و تعبیری قرآنی "حیات طیبه" است که در اسناد تحولی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و محور اصلی و غایت تلاش‌ها و تدابیر تربیتی است. هرچند در متن مبانی نظری تحول - به ویژه در مبانی جامعه‌شناختی - چندان به مقوله تمدن پرداخته نشده است، ولی در نکات ۸ گانه‌ای که به عنوان "درآمد" بر مبانی نظری نگاشته شده است، "نگاه تمدنی" به تعلیم و تربیت مورد تأکید قرار گرفته از محورهای اساسی حرکت اجتماعی و پیشرونده نظام جمهوری اسلامی و در حقیقت آرمان نظام و انقلاب اسلامی شمرده شده است.



از سوی دیگر، سه مفهوم "فطرت"، "هویت" و "تمدن" هنگامی که مرتبط و درهم تنیده تعریف و فهم شود، از معناداری کامل برخوردار می‌شوند و به مثابه یک مدل مفهومی، هویت نظام تربیتی را رقم می‌زنند، در این مدل مفهومی "فطرت" بیشتر، ناظر بر بُعد روانشناسی و فردی متربیان است، هویت، ناظر به بُعد جامعه شناختی و جامعه سازی است و تمدن، ناظر به بُعد جهانی و آینده نگارانه تعلیم و تربیت.

توضیح این که در نظام اسلامی، متربییانی به عنوان برون‌داد مطلوب شناخته می‌شوند که شکوفایی استعدادها، فطری آنان، فراتر از تربیت فردی صرف، به ایجاد و تعالی هویت آنان کمک کرده باشد. و هویت ملی ایرانی، اسلامی و انقلابی آنان توانسته باشد انگیزه و اندیشه و توانمندی مشارکت در تمدن سازی نوین اسلامی را برای آنان فراهم آورده باشد.

تمدن - فطرت - هویت

بدین ترتیب، فطرت و هویت و تمدن، از جهتی به مثابه یک مثلث بهم پیوسته خواهد بود که قاعده آن البته فطرت است، چرا که مولفه‌های هویتی و نیز شاخص‌های تمدنی مطلوب هم براساس نگاه فطرت مدار قابل تبیین است، به نظر می‌رسد مؤلفه‌ها و شاخص‌های تعیین کننده هویت دوره‌های تحصیلی را، می‌توان از این سه کلید واژه الهام گرفت.

سه کلید واژه گام دوم انقلاب

از منظری دیگر، گام دوم انقلاب اسلامی - براساس نص بیانیه رهبر حکیم انقلاب اسلامی - مرحله‌ای تازه از خودسازی، جامعه پردازی و تمدن‌سازی است، تناظر این سه کلید واژه با سه کلید واژه پیش گفته، بسیار معنی دار و جهت دهنده است: خودسازی مبتنی بر فطرت، جامعه پردازی متکی بر تکوین و تعالی هویت - در ابعاد و سطوح عمیق و گسترده آن - و تمدن‌سازی بر اساس ارزش‌های فطری ذکر شده در بیانیه گام دوم انقلاب!

آموزش و پرورش مطلوب و کارآمد، آموزش و پرورشی است که بتواند فرزندان این مرز و بوم را در ظل چارچوب منسجم و درهم تنیده «فطرت، هویت و تمدن» به شایستگی‌های زمینه‌ساز برای مشارکت فعال و آگاهانه و آزادانه جوانان تربیت شده، برساند و لذا این سه کلید واژه متناظر و متناسب با دوره‌های تحصیلی ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم، می‌توانند هویت دوره‌ها را رقم بزنند.

دوره ۶ ساله ابتدایی، دوره‌ای است که خودشناسی و خودیابی دانش آموزان رقم می‌خورد و به ویژه ابعاد آداب و مهارت‌های زندگی - برای آمادگی دانش آموزان در جهت رسیدن به مسئولیت خودسازی آگاهانه تربیتی و آموزشی در دوره متوسطه که مقارن دوره بلوغ آنان است - مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد...

۱- آرمان‌های انقلاب اسلامی که همواره زنده و جذاب و راهگشا است، هشت ارزش دینی است که مبنای فطری دارد و همین ارزش‌ها - باهم و درهم تنیده و منسجم - متمایز کننده و معرفی کننده تصویر تمدن نوین اسلامی است.



دوره سه ساله اول متوسطه دوره هویت‌یابی و تکمیل و تعالی هویت دانش‌آموزان است که خود را مسئول و متعهد برای یادگیری می‌دانند و رویکرد "خود یادگیری" در آن برجسته می‌شود و دوره "آموزش عمومی" - یعنی نصاب لازم برای تربیت مطلوب اجتماعی - در دانش‌آموزان تحقق می‌یابد.

و دوره سه ساله دوم متوسطه که دانش‌آموزان - چه در شاخه نظری یا فنی و حرفه‌ای و یا کاردانش - خود را یک فرد مسئول در تمدن سازی نوین اسلامی تلقی می‌کند و نه صرفاً با انگیزه شغل‌یابی - در شاخه فنی و حرفه‌ای یا کاردانش - و یا پذیرش در کنکور و ورود به دانشگاه و کسب مدرک تحصیلی دانشگاهی - در شاخه نظری - بلکه خود را با نگرش، انگیزه یک جوان دارای هویت و تعلق ملی ایرانی، اسلامی و انقلابی، برای مشارکت در تمدن سازی، تعریف می‌نماید.

البته پیوند محتوایی و درونی این سه کلید واژه - و مفاهیم کانونی سازنده آن - ایجاب می‌کند که در هر دوره تحصیلی، هرچند هویت آن دوره، یکی از این سه کلید واژه است، ولی به نحوی که دوکلید واژه دیگر نیز پشتوانه نظری و رویکردی آن می‌باشد، لحاظ شود.

بدین ترتیب هویت دوره ۴ ساله ابتدایی، با تأکید بر "فطرت" و تربیت فطری ناظر به تزکیه و شکل‌گیری اخلاق و انگیزه‌ها و توانمندی‌های فطری است. لیکن در سه ساله اول، با تأکید بر آداب و نیز مهارت‌های پایه و در سه ساله دوم، تقویت و تکمیل مهارت‌های پایه به علاوه مهارت‌های زندگی برای توانمند شدن و استحکام بنیان‌های رفتاری دانش‌آموز در زندگی مطلوب مبتنی بر "حیات طیبه"^۲.

در دوره اول متوسطه هم هرچند هویت دوره، "هویت یابی" است، ولی هویت مرتبط با فطرت و تمدن، یعنی هویتی که از سویی ریشه در فطرت دارد و از سوی دیگر، سر از تمدن‌سازی نوین اسلامی برمی‌آورد و دانش‌آموز را برای امتداد زندگی پاک و فعال و مستقل آماده می‌سازد. لذا یادگیری و توانمندسازی دانش‌آموز در یک یا چند رشته مهارتی عمومی در دوره اول متوسطه، یک اصل خواهد شد و این مهارت‌آموزی تنها برای هنر جویان فنی و حرفه‌ای و کاردانش اختصاص نخواهد یافت.

در دوره دوم متوسطه، بدون کاستن یا غفلت از اهمیت "فطرت" و "هویت"، بعد "تمدن سازی" برجسته می‌شود و جوان ایرانی، نقش و تأثیر خود را در شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی، مبنای تلاش علمی، فناوری و تربیتی خود می‌داند. دستیابی جوان تربیت شده در دبیرستان یا هنرستان به درک موقعیت تمدنی کشور خود و توانمندی ایفای نقش در فرایند تمدن‌سازی، به تکوین و تعالی سطح برجسته‌ای از "هویت" منجر می‌شود که در تعریف سند تحول در باب "تربیت" محور قرار گرفته است...

۱- در حقیقت وجه تمایز سه سال اول و دوم ابتدایی، نوع عناصری از فطرت است که در تربیت در برنامه‌های درسی و تربیتی آن‌ها تأکید می‌شود، بدون غفلت از سایر عناصر، زیرا فطرت یک حقیقت یکپارچه است و این تمایزات اعتباری نباید موجب غفلت از وحدت حقیقی آن گردد.



جمع‌بندی

تعیین هویت دوره‌های تحصیلی، براساس منطق واضح و در نظام واره‌ای یکپارچه و جامع و مبتنی بر بنیان‌های نظری برجسته اسناد تحولی، از ضرورت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است که براساس آن، هم اهداف دوره‌ها به گونه‌ای مستند و متکی بر هویت هر دوره تنقیح و تبیین می‌شود و هم در بازطراحی برنامه‌های درسی و تربیتی دوره‌های تحصیلی و تعیین وزن هر یک از ساحت‌ها یا حوزه‌های تربیت و یادگیری در کلیت برنامه‌های درسی و تربیتی دوره، نقش مهمی خواهد داشت.

براساس آن چه در این نوشته مطرح شد، سه کلید واژه فطرت، هویت و تمدن می‌توانند مبنای تعیین هویت دوره‌های تحصیلی باشند. بنابراین دوره تحصیلی ابتدایی مبتنی بر "فطرت" با تأکید بر "آداب" و "مهارت‌ها" در دو دوره سه ساله ابتدایی و دوره تحصیلی متوسطه اول مبتنی بر "هویت" و دوره دوم متوسطه مبتنی بر "تمدن" می‌توانند تعریف شوند و تمایزات و تأکیدات هر دوره، ذیل هویت هر دوره مشخص گردد. تأکید می‌شود که این سه مقوله، به گونه‌ای مرتبط و درهم تنیده اند که با تأکید بر یکی از آن‌ها - برای هر دوره - هرگز نباید از دو کلید واژه دیگر غافل شد و در تبیین‌های تفصیلی و اندیشه‌ورزی‌های کارشناسی و تخصصی، وزن هر یک و چگونگی پرداختن به آن‌ها و نیز مفاهیم ثانوی شکل دهنده به هویت هر دوره باید توضیح داده شود.





روش‌های تربیت در اندیشه نوری رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

در آستانه روز معلم قرار گرفته‌ایم. روزی که همه ساله کاروان عشاق دیدار ولایت از همه جای کشور به تهران روانه می‌شود تا در آستانه حسینیه امام خمینی (ره) به نمونه بارزی از امت اسلامی تبدیل شوند و با حرکت جمعی به زیارت امام خود حضرت آیت‌... العظمی خامنه‌ای نایل گردند. در این دیدارها بود که زیباترین و حکیمانه‌ترین واژه‌ها و عبارات بر زبانشان جاری می‌شود و فصل دیگری از کتاب تربیت و حکمت اسلامی را نگارش می‌فرمود. بی‌تردید روز معلم و هفته معلم صرفاً یک قطعه تقویمی نیست بلکه یک صحنه تربیتی و تعلیمی بی‌بدیل است که عاشقان ولایت را سیراب می‌کند و پایه‌های تمدن اسلامی- ایرانی را با اجزا و قطعات تربیتی و حکیمی ارتقاء می‌بخشد.

اکنون که از آن دیدار تاریخی- تربیتی محروم شده‌ایم چه باید بکنیم؟ برای پاسخ به این سؤال مایل هستم از نحوه عملکرد قهرمانان ورزشی استفاده کنم. آنان که عمده کارشان در ایام عادی تحرک، تمرین و بازی‌های قهرمانی بود. اکنون خود را چگونه مدیریت می‌کنند؟ ما هم در مسائل تربیتی و معنوی همان رویه را پیش بگیریم. ما هم می‌توانیم از طریق تمرین‌های خانگی و فردی آمادگی معنوی و اعتقادی خود را حفظ کنیم و دچار افت معنایی نشویم. مثل آن قهرمان وزنه‌برداری که از تمرین در میادین اصلی محروم است ولی امکان تمرین و مقابله با کسالت را برای خود فراهم ساخته تا فردا بازنده میدان ورزشی نباشد. ما هم باید سعی کنیم بازنده میدان‌های معنوی نباشیم باید با نجوهای فردی، تأملات درونی و با تحلیل‌های تربیتی قوای تربیتی و تمنیات معنوی خود را احضار کنیم و در تبیین یکی از ابعاد تربیت آن‌ها را به کار گیریم.

در تربیت اسلامی به دلیل تمرکز بر پرورش فطرت الهی کودک به روش‌هایی توجه می‌شود که بتوانند بذره‌های فطرت را که از سوی خدای متعال در وجود آدمی قرار داده شده است شکوفا کنند. زیباترین رویداد در حیات بشر بروز و



دکتر حسن ملکی

عضو هیأت علمی دانشگاه
علامه طباطبایی
و قائم مقام سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی آموزشی





ظهور صفات الهی- انسانی در فرد در اثر تربیت است. رهبر معظم انقلاب اسلامی که معلم، مروج و مبلغ اندیشه تربیت اسلام نیز می‌باشند شیوه‌های بسیار ظریفی را برای پوییش انسان‌ها طرح می‌کنند:

۱- استعداد شناسی

اعتقاد دارند، قبل از هر اقدام تربیتی، استعداد انسان‌ها باید شناسایی شوند. «اگر استعداد کسی را مورد توجه قرار دادیم و او را در همان جایی که استعداد و میل او هست به کار گماشتیم، امروز هم پیدا شدن ابوعلی سیناها و محمدبن زکریای رازی‌ها و امثال این‌ها بعید نیست» ملاحظه کنید آنچه را که امروز از سوی متخصصان رشته‌های گوناگون مشاوره و راهنمایی طرح می‌گردد چگونه به طرز زیبایی و با ذکر نمونه از صاحب نظران اسلامی مورد تحلیل قرار می‌دهند. ما اگر مایل هستیم نظام تعلیم و تربیت ما نخبه پروری کند و محصولات نظام افراد تربیت شده مؤثر در حیات اجتماعی باشند راهی جز استعداد شناسی و هم جهت‌سازی تربیت با استعداد را نداریم. این تأکید از یک توصیف انسان‌شناسی زیبا ریشه می‌گیرد که به پیامبر اسلام (ص) منسوب است: **الْإِنْسَانُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ**. مردم مثل معادن هستند، معدن طلا و نقره.

نظام تعلیم و تربیت ما باید طلاشناس و نقره‌شناس باشد تا بتواند هر جنسی را متناسب با ویژگی‌های آن جنس تربیت کند. در غیراینصورت ممکن است ظلم تربیتی رخ دهد.

۲- پیراستگی سخن

بی‌تردید کلام معلّم و نحوه استدلال او وسیله مهم تربیتی است. از طریق این وسیله است که پیام‌ها از مربی به سوی متربی و یا برعکس تبادل می‌شود و آثار تربیتی باقی می‌گذارد. به خاطر تأثیر سخن است که در قرآن حکیم انسان‌ها به خوش گفتاری و نرم سخن گفتن توصیه شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا مطابق این آیه یکی از ویژگی‌های مؤمن قول سدید داشتن است. قول سدید قول محکم و استوار است. قول استوار هم قولی است که با برهان و استدلال توأم باشد. حضرت آقا می‌فرمایند: «آن نسلی که می‌خواهد از سخن دینی ما استفاده کند، اگر ما آن را پیراسته نکنیم از ما نمی‌گذرد» ۴۷۷

سخن پیراسته سخنی است که در اثر حذف زوائد زیبایی به دست می‌آورد. گاهی مطالب غیرضروری از سخن آویزان می‌شوند و مانع تفهیم درست پیام به مخاطب سخن می‌گردند. همان طور که در سخن خود، ناقص نباید حرف بزنیم، پریشان نیز نباید حرف بزنیم. پریشانی سخن مربوط به عبارات و جملاتی است که هیچ نقشی در رساندن پیام ندارند بلکه باعث اختلال نیز می‌شوند. لذا معلمان باید پیراسته سخن گفتن را تمرین کنند.



۳- مهربان و قانونگرا

ابزار مهر و محبت که از آن به مودت تعبیر می‌شود مؤثرترین ابزار در جذب و تربیت انسانهاست. هیچ انسانی حاضر نیست که به او غضب کنند ولی بهترین پیام را در اختیارش قرار دهند. انسان طوری آفریده نشده است که به چنین معامله‌ای تن بدهد. همه پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام و علمای اسلام تأثیرگذار از طریق مودت توانسته‌اند دیگران را تربیت کنند. چرا این گونه است؟ ریشه‌اش برمی‌گردد به اینکه انسان در کنار عقل و تجربه از منبع و سرمایه‌ای به نام «قلب» نیز برخوردار است. قلب انسان مرکز احساسات و عواطف انسانی است و به همین دلیل تدریس توأم با غضب و نامهربانی مؤثر نیست. «اگر برخوردهای ما، برخوردهای قاطع و جدی و مصمم در عین حال مهربان و واقع بین و حقیقت‌گرا و قانونگرا و منظم و پدرا نه نسبت به افراد و منصفانه نسبت به دشمن و مهربانانه نسبت به دوست و ... باشد قضاوت دیگری خواهند کرد». مهربانی در کنار قانونگرایی ذکر شده است. مهربانی یک امر سیال و قانونگرایی یک مقوله توأم با انضباط است.

۴- داد و ستد علمی

«داد و ستد» بین انسان و سایر انسان‌ها و انسان و محیط پیرامونی‌اش و بین اجزا و عناصر گوناگون کائنات یک قاعده پایا و نافع است. پایاست از این نظر که از ابتدای خلقت بود و نافع از این بابت که پایایی اجزای عالم به خاطر منفعتی است که از دادوستد به دست می‌آورند. در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی این قاعده حاکم است.

«علم دادوستدی است اگر درهای علم مدتی در یک کشور بسته شد و از دیگران استفاده‌ای نکرد، آنچه که در درون خودش از استعداد هم هست، از بین خواهد رفت، یعنی سرکوب خواهد شد. علم از جمله چیزهایی است که با تبادل و دادوستد رشد پیدا می‌کند. انسان در لوح علم هم باید بدهد و بستاند»

علم بُعد اجتماعی قوی دارد. چه در پیدایش، چه در پرورش و چه در رویش به فضای اجتماعی نیاز دارد. در دنیای علم امروز هم اظهار می‌شود یکی از شاخص‌های توسعه علمی و حتی سایر ابعاد توسعه، مشارکت اجتماعی است. هر فردی یک توانی دارد هر گروهی نیز دارای توان محدودی است. چنانچه این‌ها هم‌اندیشی کنند و توانایی‌های خود را ترکیب نمایند قدرت بالایی به دست می‌آورند و چنین جامعه‌ای را هیچ دشمنی نمی‌تواند تضعیف کند.

دادوستد بین معلم و دانش‌آموز و در دستگاه بین استاد و دانشجو ظریف‌ترین دادوستدهاست. در یک نگاه غلط تلقی آن است که معلم انتقال دهنده و یادگیرنده دریافت کننده است. این نگاه مدت‌هاست منسوخ شده است. نقش یاددهی و ارائه معلومات از سوی او قابل انکار نیست لکن نهایت فرایند یادگیری با نقش متقابل بین معلم و دانش‌آموز هویت پیدا می‌کند و از رابطه غیرتعاملی چیز مفیدی عاید نمی‌شود. آن مقدار دانشی که معلم از دانش‌آموزان کسب می‌کند کمتر از دانشی نیست که از معلم به دانش‌آموز منتقل می‌شود.





۵- تجربه و تعقل

تجربه و تعقل چه نسبتی باهم دارند و آیا می‌توان از آن‌ها به‌عنوان روش نام برد؟ تجربه و تعقل باعث غنی‌شدن یکدیگر می‌شوند. هر قدر تجربه فرد بالاتر باشد در حقیقت عقلش رشد می‌کند و هر قدر عقل او رشد کند تجارب مطلوب‌تری را برای خود رقم می‌زند. تعقل یک سرمایه بی‌بدیل الهی است که به آدمی از سوی خداوند هدیه شده است. لکن با کسب تجربه این سرمایه توسعه می‌یابد. و انسان را به تعالی می‌رساند. تجربه در حقیقت شناخت ناشی از تعامل است. تعامل عین تجربه نیست بلکه وسیله و معبر کسب تجربه است. تجربه از جنس شناخت است و در اثر افزایش این شناخت «عقل مسموع» به تعبیر امام علی (ع) تقویت می‌گردد. معلّم می‌تواند با تشکیل گروه‌های یادگیری بین دانش‌آموزان و هدایت فعالیت‌های آنان امکان تعامل را و سپس کسب تجربه را فراهم سازد. از این طریق است که عقل نیز رشد می‌کند. همیشه باید به خاطر داشت که زندگی اجتماعی بهتر و زمینه‌آلوده‌تر است و هر قدر بالنده‌تر باشد، حفظ و صیانت می‌کند. «از جمله راه‌های تربیت، تجربه، تعقل و مطالعه است. که همه این‌ها انسان را به تربیت کامل می‌رساند»

شرط یا شرایط اصلی بهره‌مندی معلم از فضای تجربه آمیز و توأم با عقل کدامند؟ آیا صرف گفتن این که ما باید از این‌ها استفاده کنیم کافی است؟ باید تعقل را به دانش‌آموزان یاد داد. خیلی‌ها عقل دارند ولی تعقل نمی‌کنند. در تربیت معلم که اکنون در قالب دانشگاه فرهنگیان فعالیت می‌کند معلمانی تربیت شوند که پرورش خردورزی را یاد بگیرند و دانش‌آموزانی متفکر تربیت کنند. داشتن عقل هم مثل داشتن پول در بانک است. همان‌طور که با جریان انداختن پول اقتصادی قوی می‌شود، با جریان انداختن عقل نیز تعقل و خردورزی تقویت می‌گردد.

۶- بهره‌مندی از هنر و زیبایی‌شناسی

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. بر این اساس هر چه را که بخواهیم زیبا جلوه کند باید نورالهی در آن بتابد. حتی آنانی که علی‌الظاهر با خدا رابطه‌ای ندارند ولی هنرمندانه زیبایی‌هایی خلق می‌کنند، خودشان نمی‌دانند که چه قدر زیبا و هنرمندانه خدا را بندگی می‌کنند. بعضی زیبایی‌های ظاهری و صوری هستند که با چشم سر می‌توان آن‌ها را دید و لذت برد و برخی دیگر باطنی و معنوی هستند که لزوماً قابل رویت نمی‌باشند ولی قابل درک هستند. آیا آن لذتی که یک فرد معنوی از عبادت کردن می‌برد و حالی که پیدا می‌کند با چیز دیگر قابل مقایسه می‌باشد؟ آیا لذتی که گاهی از شنیدن یک کلام مستدل به انسان دست می‌دهد با حال و حالت دیگری می‌توان مقایسه نمود. حقیقتاً آن لحظاتی که به زیبایی‌های طبیعت به‌عنوان آیات الهی می‌نگریم و در معنا و معنویت ناشی از این هم شکوه و زیبایی غرق می‌شویم. با چیز دیگری قابل مقایسه است؟ خداوند انسان را با ویژگی زیبایی‌شناسی و توانایی خلق زیبایی‌ها آفریده است.

«هنر بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم اسلامی و انسانی است». «پیامبر اسلام (ص) از همه ابزارها حتی ابزارهای هنری برای همین فکر - که حالا دنبالش هستید - استفاده کرده است



به آن هم در راقی‌ترین و فاخرترین حله و پوششش خودش، یعنی قرآن، واقعاً قرآن مایه هنری خیلی عجیبی دارد که اصلاً برای ما قابل تصویر نیست. اگر از اول تا آخر قرآن و همین‌طور بیانات رسول اکرم (ص) را ملاحظه کنید، خواهید دید توحید و دشمنی با شرکت و بت و شیطان که مظهر شر و بدی و پلیدی است وجود دارد و موج می‌زند»

خداوندی که انسان را خلق کرده با علم مطلق خود آگاهی کامل دارد که پیام‌ها، بدون ویژگی هنری نافذ نخواهد بود به همین دلیل در خود قرآن که کلام الهی است، جلوه‌های هنری زیادی به کار رفته است. بارزترین آن‌ها همین آهنگین بودن آیات الهی مخصوصاً در آیات سوره‌های مکی است. سوره‌های مکی قصد فردسازی داشتند و می‌خواستند به تدریج آدم‌ها جذب قرآن شوند. لذا با دمیدن روح زیبایی و هنری به آیات الهی به جاذب بودن آن‌ها افزوده است. حالا مربیان و معلمان در مدارس در بهره‌گیری از هنر نباید و نمی‌توانند تردید داشته باشند. جایی که «رب» هنرمندانه تربیت می‌کند، بنده رب از همین شیوه باید بهره‌گیرد. یکی از جاهایی که جانشینی خدا درباره انسان معنا و مصداق پیدا می‌کند در ابداع و خلاقیت و به کارگیری روش‌های هنری است.

حضرت آقا شعر و ادب را زیباترین قالب برای ارسال پیام می‌دانند و می‌فرمایند: «شاعران و سخن‌سرایان آگاه همیشه توانسته‌اند والاترین معارف انسانی را در کتیبه روزگاری با نقشی جاودانه به نسل‌های بعد از خود بنمایانند. بی‌شک این ابزار نیز مانند همه جلوه‌های زیبایی زندگی دیروزمان یا وسوسه‌های زور و زر به تصرف گردنکشان و طاغیان اعصار در می‌آمد و به زبان خلق خدا و در خدمت هوس‌ها و خواسته‌های خداوندان ملک و ثروت به کار می‌رفته است» در فراز فوق از فرمایشات رهبر فرزانه به شعر و ادب به‌عنوان زیباترین قالب اشاره شده است. کاربرد عام این سخن آن است که می‌توان در هر یک از دروس مدارس از شعر و ادب برای تفهیم مطالب کمک گرفت و به نفوذ پیام‌ها افزود. وقتی که به موقع از یک یا چند بیت شعر با معنا استفاده شود پیام لطافت می‌گیرد و در قلب آرام و قرار پیدا می‌کند. شاید بر این اساس بوده است که عرفای نامی نوعاً یک دیوان شعر هم داشته‌اند. بارزترین آن‌ها امام راحل (ره) است که دیوان اشعار این رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران اکنون در اغلب خانه‌های ملت مسلمان ایران استقرار یافته است. آیا این کار برای تفنن بوده است؟ بی‌تردید نه. این کار در حقیقت کمک گرفتن از وسیله‌ای است که در دل نفوذ می‌کند و اثر پذیری را افزایش می‌دهد.





اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل

تهران | خیابان کریمخان | خیابان ایرانشهر | ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش | سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ | تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ | نمابر: ۸۸۳۰۹۲۶۵ | سایت: www.oerp.ir